



۲۷/۰۹/۲۰۱

عزیز کهگدای

امیر شیر علیخان و جمعه سردار «سقو»

یادداشت‌های مرحوم حافظ نور محمد کهگدای

«قسمت بیستم»

امیر شیر علی خان پادشاه منور افغانستان، در عین حال که شخص ملایم بود، احساساتی هم بود. وی برای آن که جویای احوال مردم شود، یگان وقت در داخل گذرهای شهر کابل گشت و گزار می کرد.

لالا امیر محمد «پسر پیر محمد لندی» که در کوچهٔ اچکزایی ها سکونت داشت، قصه می کرد: اسحاق تاجر که خانهٔ حالیهٔ عبدالله افغان نویس، خانهٔ او بود و در آنجا سکونت می کرد، کدام خانهٔ دیگر هم داشت که بالای «جمعه سردار سقو» به صد روپیهٔ کابلی فروخته بود، ولی جمعه سردار سقو، پول او را نمی داد. جمعه سردار پسر سدوی سقو، کلانتر سقوهای شهر کهنه بود در آنوقت، سقو را مردم کابل «خلاسی» می گفتند، زیرا سقو های عسکری از بار اسلحه خلاص می بودند.

در یکی از روزهای بهار امیر شیر علی خان از کوچهٔ اچکزایی ها می گذشت و اردلی های قندهاری وی از حدّ چوب فروشی که حالا مسجد است تا حصهٔ سه دوکان چنداول در پیش و عقب سواری او می رفتند. در همین وقت اسحاق تاجر از موقع استفاده کرده خود را به امیر نزدیک نمود و عرض کرد:

«امیر صاحب جمعه سردار سقو در خانهٔ من نشسته و پول مرا نمی پردازد.»

امیر صاحب از سقو پرسید: چقدر از اسحاق تاجر قرضدار هستی؟ سقو سر به زیر انداخته خاموش ماند. بار دوم امیر سؤال خود را تکرار کرد، ولی باز هم سقو جواب نداد. اسحاق تاجر پیش دستی کرده گفت: امیر صاحب! من صد روپیهٔ پخته بالایش دارم. امیر صاحب فرمود: من می خواهم بدانم که خودش قایل است یا نه؟

بعد از چند دقیقه مکث، سقو سر بالا کرده گفت:

«بلای صاحب! برآستی صد روپیه بر من دارد، چون معاش ماهانهٔ من ۷ روپیه است از آنجمله ۳ روپیه اش از اسحاق صاحب و ۴ روپیه دیگرش از من....»

امیر بالای وی قهر شده گفت: تو برای تأدیة قرض خود، می خواهی که این شخص عمر نوح و صبر ایوب را داشته باشد؟ سقو رو به امیر کرده با تضرع گفت:

«امیر صاحب، من زیاده ازین داده نمی توانم.»

امیر با سببی که در دست داشت به روی سقو زده گفت: «گرفتن را به جوانی می گیری، و به وقت دادن آن به جهت تریاک میروی، باید تا ۳ روز وجه او را ادا کنی ورنه حکم کشتن ترا صادر خواهم کرد». گرچه سقو در همان موعد حکم، وجه را ادا کرد ولی نصف رویش که از زدن سیب آسیب دیده بود، تا وقت مرگش سیاه بود.

امیر شیر علی خان در موضع که این قضیه رخ می داد، با لباس گلنار ملبس بود و بچه ها در همان جا خاک بازی می کردند، یکی از اردلیان امیر کلان کاری کرده به بچه ها گفت: «خاک را باد نکنید ورنه شما را می زنم!» امیر متوجه گفتار اردلی شده با قهر به اردلی گفت: «تو اولاد ها را با بین تهدیدها کم جرئت می سازی، بگذار شان آزاد باشند.»

امیر شیر علی خان و خسربره اش

امیر شیر علی خان با صبیبهٔ رجب علی خان ازدواج کرده بود، روزی غلام حیدر، جوان خوش صورت که خسربرهٔ امیر می شد، همراهی یکی از نوکر های خود نزد امیر آمد. چون غلام حیدر خسربرهٔ امیر بسیار حسین و در رغبت جوانی بود، امیر از وی پرسید: کجا بودی؟ نوکرش گفت: امیر صاحب غلام حیدر جان پیش شما آمده است. امیر گفت: بهتر است پیش مادر خود برود نه پیش ما، زیرا وی تا اینجا که می آید، صورتش باعث تحریک بینندگان می شود، بهتر است تا ریش نکشد از خانه بیرون نشود. غلام حیدر جان برآستی تا زمانیکه ریشش نمو نکرد، از خانه بیرون نرفت!

نرخ مواد خوراکی در عصر امیر شیر علیخان

گوشت گوسفند از طرف صبح فی پاو ۵ روپیه و از طرف عصر ۴ پیسه
روغن زرد اعلی را دوکاندار فی سیر دونیم روپیه می فروخت.

برنج کُنری درجه اول فی سیر یک روپیه

برنج باریک بهاولپوری ۵ چهارک، یک روپیه

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

برنج لک اعلی دو سیر آن ۲ روپیه فروخته می شد
تپل برای چراغ، سه چارک، یک روپیه.
گر چار باغی پنج چارک، یک روپیه
گر جلال آبادی، سه تا سه و نیم چارک آن یک روپیه
دوشاب مهتابی «شیره انگور و غیره» یک تا یک و نیم سیر آن، یک روپیه.

چوب توت فی خروار ۸ روپیه
چوب بلوط فی خروار ۱۰ روپیه
ذغال «بار شتر» ۱۲-۱۴ روپیه
ذغال «بار خر» ۶ روپیه
خربوزه مزاری فی چارک دو پیسه
تربوز کلان میرملنگی فی دانه ۱ قران.

چای کلوله بی «اگر در کابل فروخته می شد» ۳-۴ پیسه (این یک نوع چای بود که از طریق پشاور وارد افغانستان می شد که مانند کلوله سر دوز بزرگ بود از این رو آنرا «چای کلوله» می گفتند. چون در کابل چندان فروش نداشت، بیشتر به طرف بخارا فرستاده می شد، و در کابل اضافه تر از قیمت فوق فروش نداشت. ناگفته نماند که این چای را تنها امیر شیرعلی خان می نوشید و چایدار باشی وی حاجی آغا جان مشهور به «حاجی چایی» بود.

مکتب امیرشیرعلیخان دربالاحصارکابل

امیر شیرعلی خان مکتب عسکری در بالا حصار کابل در حدّ «زمره کوه» تأسیس کرد که در آن زمان یکی از بهترین مکاتب پایتخت بود.

گرچه که بنای مکتب را در حصه زمره کوه مانده بودند اما طلبا در «مسجد شاه» واقع بالا حصار درس می خواندند. مدیر مکتب منکور خواجه محمد خان باثری نام داشت که سر معلم هم گفته می شد. توجه امیر به این مکتب زیاد بود از این رو

معلمین لایق را از سلاله اندیشمندان در این مکتب گماشت که بعضی از معلمین آن این ها بودند:

- ملا مصطفی معلم دینیات، عربی، ۱۵ مقاله اقلیدس (اقلی بزبان یونانی معنی «کلید» و دس بمعنی «هندسه» و همچنین اقلیدس کتابی است در حکمت و هندسه - تالیست - از دهخدا)، حکمت و منطق.
- ملا رمضان پدر عبدالعلی مستغنی وردکی شاعر، معلم ریاضیات و هندسه.
- منشی محمد کریم معلم انگریزی «انگلیسی».
- کریم بخش خان به منصب «برگدی» پدر غلام محی الدین خان مدیر موزیم، معلم قواعد عسکری.
- ملا دلدار «از مردمان سرخ پارسا که فوق العاده متعصب بود».
- مولوی جلال الدین، معلم امور دینی.
- قاضی پشاور، نگران مکتب.

تعداد داخله مکتب در حدود ۱۲۰ نفر بودند که شاگردان این مکتب عبارت اند از :

- کاکا سید احمد لودین که در تمام سال های مکتب اول نمبر بود وی بعداً عضو فعال مشروطه خواهان شد،
- ۳ برادر سید خداداد، سید احمد شاه و سید مقصود،
- سردار شیر احمد خان پسر سردار نور محمد خان بن سلطان محمد خان طلائی،
- سردار نیک محمد خان بن امیر کبیر،
- سردار فتح محمد خان امین العسس،
- سردار نیک محمد خان و سردار محمد عظیم خان پسران امیر کبیر دوست محمد خان،
- سردار عطاء الله خان و سردار عنایت الله خان پسران وزیر محمد عثمان خان نظام الدوله بن وزیر رحمت الله خان،
- وفادار خان سدوزایی،
- نصرالله خان و نورالله خان پسران سردار محمد عباس خان پدر عظیم الله خان،
- محمد یونس خان نواسه سردار سلطان محمد خان طلائی،
- تاج محمد خان و فیض محمد خان پسران سردار محمد غوث خان «این دو شاکرد به درجه بی لایق و قابل شده بودند که مولوی احمد جان خان الکوزی آنها را به حضور امیر عبدالرحمن خان معرفی نمود و امیر آنها را سرکرده جریب کش ها مقرر کرد»،
- باز محمد خان و بشیراحمد خان ، برادران هاشم جان کاکا،

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

- عبدالواحد خان پدر احمد علی خان رئیس اردو،
- سلطان حمید برادر محمد جانخان غازی،
- غلام حسن خان پسر کلب علی خان شرر مستوفی و دبیر سردار محمد عظیم خان حاکم کشمیر،
- خالق دادخان و حق داد خان پسران مولا داد خان مندوی وار.

این مکتب یک تعداد از شاگردان موفق را برای تعلیمات بیشتر به اروپا می فرستاد. شاگردان این مکتب بعداً به مناصب عالی رسیده و خدمات بزرگی را برای پیشرفت افغانستان انجام داده اند.

اولین داکخانه « پوسته خانه »

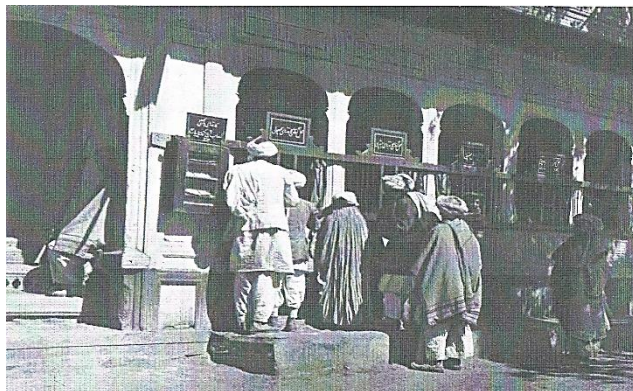
امیر شیر علی خان پادشاه مترقی و مدنیت پرور از جمله ادارات دولتی یکی هم ادارات پستی را بنام «داکخانه» برای نخستین بار در افغانستان تأسیس کرد که جزء «دبیری» بود. این داکخانه یک شعبه در پشاور داشت که حاجی محمد حسین خان مدیر آن بود. همچنین برای اولین بار امیر مذکور مطبوعه سنگی را در کابل بکار انداخت که به نام های «مصطفوی» و «شمس النهار» یاد می شدند، اخبار شمس النهار در ۱۲۹۰ق در همین مطبوعه به چاپ رسید.

امیر شیر علی خان در ۱۸۷۰م اقدام به چاپ تکت پستی نمود و این اولین تکت است که در کاغذ سفید به رنگ های مختلف در مطبوعه مذکور چاپ شده است و بنام «کله شیر» یاد می شد و یک «صنار» قیمت داشت و برای ۳۰ سال از تکت های مذکور در پاکت های پستی کار گرفته می شد.



این تکت ها برای بار نخست در سال ۱۹۶۴ میلادی در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه که به انکشاف مخابرات در کشور توجه جدی و خاص داشتند، تقریباً نزدیک صد سال بعد از نشر اول آن برای بزرگداشت این تحول پستی در افغانستان دوباره چاپ شد. (تیسره و فوتو از و.ا.ن. انیتور)

در زمان امیر عبدالرحمن خان فقید داکخانه را از دبیری جدا ساخت و داکخانه حیثیت وزارت دربار را داشت و دهباشی آن میرزا امیر محمد ولد میرزا سر انداز خان بلوچ بود که زیر دست او میرزا محمد حسین «گدی» که کوله و مذاقی بود، پایین تر از داباشی نشسته و یک عدد ترازوی متقالی پیشرو می داشت. بعد از فوت میرزا محمد حسین گدی، میرزا محمد مصطفی کشمیری پدر میرزا مجتبی خان در این وظیفه مقرر شد.



عکس داکخانه کابل ۱۹۱۶ در سال میلادی در عصر سلطنت امیر حبیب الله خان سراج الملت و الدین - عکاسی "نیدر مایر" آلمانی از هیئت ترک و آلمان برای کشانیدن افغانستان در جنگ جهانی اول

به همین ترتیب در زمانیکه شهزاده امان الله خان عین الدوله بود، عبدالله بیگ پدر یحیی خان طرزی را در این وظیفه مقرر داشته و تشکیلات داکخانه را هم ارتقاء بخشید.

« پایان »

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ